

کهن ترین مرثیه سرایی در شعر پارسی

هاشم محمدی

بر کشتن سیاوش سروده های عجیب است و مطربان آن سرودها را کین سیاوش گویند...» (۲) و شاعر بلندآوازه کسایی مروزی در چنین محیطی به دنیا آمد.

نظامی عروضی در کتاب «چهارمقاله» کتبه اش را ابوالحسن و صاحب «مجمع الفصحا» رضا قلیخان هدایت، ابواسحاق و لقبش را مجدالدین نوشته اند. سدیدالدین محمد عوفی در اولین کتاب تذکره یعنی «لباب الالباب» هیچ یک از این دو کتبه را ذکر نکرده اند و تنها او را به کسایی مروزی معرفی کرده اند.

مدت تحقیقی حیات و سنه سال ولادت او از این چند بیت که خود گفته، استفاده می شود.

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال
چهارشنبه و سه روز باقی از شوال
بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم
سرود گویم و شادی کنم به نعمت و مال

(ص ۸۵)

یا:

ایا کسایی پنجاه بر تو پنجه فشرد
بکند یال تو را زخم پنجه و چنگال

(ص ۸۶)

کسایی روز چهارشنبه ۲۷ شوال ۳۴۱ هجری متولد شد و به مدت ۵۰ سال به مدح و ستایش سامانیان و عباسیان و سلطان محمود غزنوی پرداخت. در زمان خود از مشاهیر حکما و شعرای ایران بوده و قصاید بلند حکیمانه او معروف

«مرثیه» یا رثاء به اشعاری اطلاق می شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران آنان، یا در ذکر مصائب پیشوایان و بزرگان دینی، به ویژه حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) سروده شده است. این نوع شعر نظر به ارتباطی که با افکار و احساسات شخصی شاعر دارد، از قدیم ترین دوران شعر فارسی است و در دیوان شاعرانی چون: رودکی، فیروز مشرقی، ابوشکور و شهید بلخی و شاعران پس از آنان مرثیه های زیادی موجود است. (۱)

مراثی نیز به مرثیه های تشریفاتی و رسمی و شخصی و خانوادگی و مراثی در حق دوستان، مراثی فلسفی پس از مرگ و مراثی مذهبی تقسیم می شود.

در مراثی مذهبی، شاعر در توحید و ستایش ذات باری تعالی و منقبت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) اشعار دینی و مذهبی می سراید و نخستین شاعری که این قبیل اشعار دینی و مذهبی را در زبان پارسی دری سروده است، «کسایی مروزی» است. وی نخستین سوگنامه مذهبی را در عزای شهیدان کربلا سروده و از این نظر، پیشگام مرثیه های مذهبی و کهن ترین مرثیه سرای مذهبی در ادب پارسی است.

سنت سوگنامه سرایی در فرهنگ ایرانی مردم خراسان و ماوراءالنهر هم سابقه دیرینه ای داشته و از داستان های ملی و اساطیر باستانی سرچشمه گرفته است: در «تاریخ بخارا» آمده: در مرو و بخارا سوگ سیاوشان بر سر زبان ها بود و اهل بخارا را

کسایی مروزی از شاعران بزرگ فارسی زبان در نیمه دوم قرن چهارم است.

در شبعه بودن وی هیچ تردیدی نیست زیرا از وی مرث چندی درباره شهدای کربلا و ملایحی در شان امامان معصوم (ع) مانده است، به ویژه که از وی به عنوان کهن ترین مرثیه سرا، در این حوزه یاد کرده اند. نوشتاری که در پی می آید به این موضوع می پردازد.

«نخستین و مهم‌ترین منبع درباره کسای مروز، «دمیه القصر ابوالحسن علی بن حسن باخزری» (مقتول در ۴۷۶ هـ) است که دو بیت از اشعار فارسی و دو بیت عربی او را آورده، و وی را مقیم نَسَف (نزدیک بخارا، پایتخت سامانیان) می‌داند.»

«سدیدالدین محمد عوفی نخستین کسی از تذکره نویسان است که در کتاب خود، لباب الالباب (تألیف شده در ۶۱۸ هجری) مستقلاً شرح حال کسای را آورده است.» (۴)

در تاریخ ادبیات ایران «یان رپیکا»، آمده: او نخست سنی مذهب بود و سپس در شمار معتقدان جدی شیعه درآمد. این شاعر رفتار دوازده امام شیعه جعفری را ستوده است (۵)، اما عبدالجلیل رازی در کتاب «اللقص» (تألیف حدود ۵۶۰ هجری) دوبار از کسای نام برده و او را شیعه دانسته است.

دیوانش تا نیمه قرن ششم موجود و معروف بوده است اما اکنون دو قصیده کوتاه و ۴ تغزل و ۲۵ قطعه دو سه بیتی است و مجموع این اشعار، تغز و لطیف و دلاویز از ۳۰۰ بیت نمی‌گذرد، در حالی که در اصل ۳۰۰۰ بیت بوده است. همین مایه اندک از اشعارش که باقی مانده، انداز و وسعت فکر و دقت خیال و حسن بلاغت و براعت طبع او را نشان می‌دهد. مضامین شعری وی، شامل مدح و ستایش و سروده‌های تغزلی و مضامین خمیری و تعلیمی است اما یکی از مضمون‌های خاص و ویژه وی مرثیه سرایی است. (۶)

مرثیه‌های کسای را به دو گونه درباری و مذهبی تقسیم می‌کنند و با توجه به این که کسای خود شیعه بوده است، مذهب وی در سرودن مرثیه‌های مذهبی تأثیری به سزا داشته است. تشیع کسای ریشه موروثی نداشته، بلکه در فکر و اندیشه او ریشه داشته و متأثر از اوضاع اجتماعی و سیاسی است. جایگاه او در باب موعظه و پند و اندرز والا است. تعقل و منطق و آزادواری او در میان شاعران هم‌عصر خود، شخصیتی ممتاز به او بخشیده است. دریافت احساسی و عاطفی را با جنبه عقلانی و استدلالی پیوند زده است. محمد عوفی و امین احمد رازی و صاحب «مجمع الفصحا» او را صوفی و عارف می‌دانند. «یان رپیکا» هم نوشته است که در پایان زندگیش به اندیشه‌های عرفانی گرایش یافت، انگیزه دگرگونی‌های درونی این شاعر را نمی‌توان دریافت. اما گمان نمی‌رود که در صداقت او به باورهایش شکمی باشد. قصیده مسمط او که کهن‌ترین سوگنامه کربلاست، پرده از عقاید مذهبی شاعر برداشته و اندیشه‌های او را اثبات می‌کند. قصیده مورد نظر ۵۰ بیت است و مطلع آن چنین است:

□ سنت سوگنامه سرایی در فرهنگ ایران مردم خراسان و ماوراءالنهر سابقه دیرینه‌ای دارد و داستان‌های ملی و اساطیر باستانی سرچشمه گرفته و در «تاریخ بخارا» آمده است: «در مرو و بخارا سوگ سیاوش‌شان بر سر زبان‌ها بود و اهل بخارا را برکشتن سیاوش سروده‌های عجیب است و مطربان آن سرودها را کین سیاوش گویند.»

باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا
آراست بوستان را نیسان به فرش دیبا
پس از ۲۸ بیت تغزل وارد مرثیه می‌شود و مدح و غزل را رها کرده و به مقتل (مقتل نویسی) روی می‌آورد:

دست از جهان بشویم غزو شرف بجویم
مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی را فرزند مرتضی را
مقتول کربلا را تازه کنم تولا
آن نازش محمد پیغمبر مؤبد
آن سیدمجد شمع و چراغ دنیا
آن میر سر بریده در خاک خوابیده
از آب ناچشیده گشته اسیر غوغا
بی شرم شمر کافر ملعون سنان ابتر
لشکرزده برو بر چون حاجیان بطی
تیغ جفا کشیده، بوق ستم دمیده
بی آب کرده دیده تازه شود معادا

وی با بیان مصائب خاندان پیامبر که مورد آزار و ستم بنی امیه و بنی عباس قرار گرفته بودند، اظهار همدردی می‌کند و نفرت عمومی را نسبت به دشمنان اهل بیت بیان می‌دارد. شمر کافر را بی شرم و ملعونی می‌داند که همانند ترکان غزویغما، بر عترت محمد (ص) یورش آورده‌اند. هدف کسای، یادآوری فاجعه کربلا و توجه دادن به عمق جنایت کافران و شناسایی کافران و دشمنان یزیدگونه زمان خود است.

در دوره کسای روایات مربوط به واقعه کربلا هنوز سادگی و بی‌پیرایگی اولیه را داشته و نهال نورسته‌ای بود که شاخ و برگ چندانی نداشت و هنوز به نیروی خیال شاعران و واعظان دوره صفوی و قرون بعد گسترش و پرورش نهایی را نیافته و دیگر این که این اشعار برای عامه مردم و مطابق فهم و پسند آنان ساخته شده بود و حتی انتخاب وزن چهارپاره برای غمنامه، شاید به این دلیل بوده که آن را در ایام سوگواری دسته جمعی می‌خواندند: (۷)

صفین و بدر و خندق حجت گرفته با حق
خیل یزید احمق یک یک به خونس کوشا
پاکیزه آل یاسین گمراه و زار و مسکین
و آن کینه‌های پیشین آن روز گشته پیدا
آن پنجمانه کودک باری چه کرد و یحک
کز پای تا به تارک مجروح شد مفاجا
بیچاره شهربانو مصقول کرده زانو
بیجاده گشته لؤلؤ بر درد ناشکیبا
آن زینب غریبان اندر میان دیوان
آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدا
مؤمن چنین تمنی هرگز کند، نگو، نی
چو نین نکرد مانی، نه هیچ گبر و ترسا
آن بیوفا و غافل غره شده به باطل
ابلیس وار و جاهل کرده به کفر مبدا
رفت و گذاشت گیهان دید آن بزرگ برهان
وین رازهای پنهان پیدا کنند فردا
بر مقتل ای کسای برهان همی نمایی
گر هم بر این پپایی بی خار گشت خرما

(ص ۷۲ و ۷۳)

«از عمر رثاء مذهبی به صورت گسترده بیش از پنج قرن نمی‌گذرد و مخصوص ذکر مناقب ائمه اطهار (ع) و شرح واقعه جانسوز کربلا و خاص اهل تشیع است. از قرن دهم هجری با حکومت صفویه در ادبیات فارسی رونق گرفته و از شاعرانی که بدین شیوه پرداخته‌اند: کمال غیاث شیرازی، بابا سودایی ابیوردی، ابن حسام قهستانی، تاج‌الدین حسن تونی سبزواری، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی ترشیزی، وصال شیرازی، یغمای جندقی و محمودخان ملک الشعراء و از همه مهمتر محشم کاشانی» (۸).

با ترکیب بند معروف و مشهور در شرح واقعه کربلا:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
در بین منادای دینی و مذهبی و منقبت‌هایی که از دوران اول یعنی قرن چهارم و پنجم هجری قمری باقی مانده است اشعاری وجود دارد که شاعر به رضای خدا و فرمان دل و از روی کمال اعتقاد و ایمان، به نظم درآورده است. این اشعار در توحید و ستایش ذات باری تعالی و منقبت رسول اکرم (ص) و امیر مؤمنان حضرت علی (ع) و ائمه طاهریین (س)

- ۱- رستگار فسایی، دکتر منصور، انواع شعر فارسی، انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۳۷۳ ص ۱۵.
- ۲- ریاحی، دکتر محمدامین، کسای مروز، زندگی، اندیشه و شعر او، انتشارات علمی چاپ نهم ۱۳۸۰ ص ۸۲ (اشعار ذکر شده در متن از همین چاپ است).
- ۳- یان ریپکاو... تاریخ ادبیات ایران. ترجمه کیخسرو کشاورزی، انتشارات گوتنبرگ. چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۲۲۸.
- ۴- پیشین، ریاحی...
- ۵- پیشین، یان ریپکاو...
- ۶- درخشان، دکتر مهدی، اشعار حکیم کسای مروز و تحقیق در زندگانی و آثار وی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۵ ص ۱۹.
- ۷- دزفولیان. کاظم، بوی جوی مولیان، انتشارات طلایه. چاپ دوم ۱۳۷۶ ص ۲۱.
- ۸- پیشین، رستگار فسایی... ص ۲۱۶.
- ۹- پیشین، ریاحی... ص ۴۲.
- ۱۰- آیت قربی اشاره به: و آت ذالقربی حقه. سوره ۱۷ آیه ۲۶ و سوره ۳۰ آیه ۳۸ اصحاب الیمین. سوره ۵۶ آیه های ۲۷ و ۲۸ و ۹۰ و ۹۱.
- ۱۱- «قل تعالو اندع» اشاره به آیه ۶۱ از سوره سوم: قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم- و نساننا و نسانکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین» مربوط است به روز میاهله مطابق ۲۴ ذیحجه سال ۱۰ هجری که پیامبر (ص) نصاری نجران را به میاهله فرا خواند و خود با حضرت علی (ع) و فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) حاضر شد، شیعیان و شافعیان بر خلاف حنفیان به استناد این آیه، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را فرزندان پیامبر و حضرت علی (ع) را نزدیکترین کسان او می شناختند. علاقه مندان به تفسیر ابو الفتح. الهی قمشه ای ج ۲، صص ۳۷۸ تا ۳۸۲، چاپ ۱۳۳۴، تفسیر گازر. چاپ محدث، ج ۲، صص (۶۰-۶۴) رجوع کنند.
- در تفسیرهای اهل سنت از جمله ترجمه، طبری (تفسیر طبری) ج ۱، صص (۲۴۴-۲۲۸) و کشف الاسرار میدی ج ۲، صص (۱۵۱-۱۵۲)، چاپ علی اصغر حکمت، نکته مورد استناد ناگفته مانده است.
- ۱۲- لاقی: اشاره به خبر معروف شیعه: «لاقی الاعلی لاسیف الاذوالفقاره»
- این خبر در تفسیر ابو الفتح رازی در تفسیر آیه ۲۵ سوره الحديد آمده است.
- (چاپ الهی قمشه ای، ۱۳۳۵، ج ۹ ص ۳۵۲).
- ۱۳- اشعار از مأخذ شماره ۲، صص ۹۳ و ۹۴ نقل شده است.
- ۱۴- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات نیل، ۱۳۵۰، ص ۳۴۲.
- ۱۵- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، انتشارات خوارزمی. چاپ دوم، ۱۳۵۰، ص ۳۸.
- ۱۶- پیشین، ریاحی... صص ۳۴ و ۳۵.

□ در دوره کسای، روایات مربوط به واقعه کربلا، هنوز سادگی و بی پیرایگی اولیه را داشت و نهال نورسته ای بود که شاخ و برگ چندان نداشت و هنوز به نیروی خیال شاعران و واعظان دوره صفوی و قرون بعد گسترش و پرورش نیافته و اشعار برای عامه مردم و مطابق فهم و پسند آنان ساخته شده بود و حتی انتخاب وزن چهارپاره برای غننامه شاید به این دلیل بوده است که در ایام سوگواری دسته جمعی می خواندند.

خیال و انواع تصویر بویژه در زمینه طبیعت، شعر کسای بهترین شعری است که از گویندگان قرن چهارم در دست داریم» (۱۴)

استاد فروزانفر هم درباره شعر او چنین نوشته است: «کسای از شعرای بزرگ ایران است و به همین مایه اندک که از اشعارش باقی است اندازه و وسعت فکر و دقت خیال و حسن بلاغت و بواعث طبع او را می توان دانست. اشعار کسای به لطافت و دقت تشبیه ممتاز است و در این فن عده کمی به پایه او می رسند» (۱۵)

در مقایسه سبک سخن او با فرخی شیهات هایی تصور شده و سبک و اسلوب آن دو را مثل هم دانسته اند، با این تفاوت که، فرخی از تشبیهات کاسته و بر معانی عشقی افزوده است. این نظر استاد فروزانفر بوده که دکتر محمد امین ریاحی در کتاب کسای مروز، زندگی، اندیشه و شعر او، این نظر را محل تأمل دانسته است (۱۶)

به هر حال کسائی نقاشی چیره دست طبیعت است و وصف های روشن و جاندار او با تشبیهات ساده و لطیف و دلنشین او، نام او را در بین شاعران کهن فارسی زبان بلند آوازه ساخته است، اشعار او از نظر تاریخ اجتماعی ایران و شیوه های گوناگون فکری در خراسان آن زمان و جلوه های آداب و رسوم و فرهنگ اهمیت به سزایی دارد و در بین سایر گویندگان ممتاز است.

است که اکثراً از بین رفته است. نخستین شاعری که این قبیل اشعار دینی و مذهبی را در پارسی دری سروده است و بویژه در مدح حضرت امیر مؤمنان علی (ع) قطعات و قصایدی غرا به رشته نظم کشیده است، همین کسای مروز است.

قطعه معروفی در مدح آن امام همام در دیوان کسای وجود دارد که فقط ۴ بیت آن مانده است: مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار آن کیست بر این حال و که بوده است و که باشد جز شیر خداوند جهان حیدر کرار این دین هدی را به مثل دایره ای دان پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار علم همه عالم به علی داد پیمبر چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار اما قصیده معروف کسای با عنوان «فضل امیر المؤمنین» از قصاید بسیار زیبا و محکم و استوار و سراسر تلمیح و تشبیه و آمیخته با نکات بدیع و ظرافت های ادبی خاص خود است.

قصیده با عنوان «فضل امیر المؤمنین» و دارای ۲۳ بیت است با مطلع:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیر المؤمنین
فضل حیدر شیر یزدان، مرتضای پاکدین

استاد دکتر محمدامین ریاحی می نویسد: «در این قصیده، تعریض به قدمای خلفای عباسی (معتصم و مستعین) و اشاره به القاب امرای ترک (تگسین و تگین) خبر از سال هایی می دهد که به علت آغاز هجوم و تسلط ترکان بر خراسان و تعصب آنها در حمایت از خلفای عباسی نفرت و بیزاری ایرانیان متوجه آن هر دو قوم بود» (۹)

در این قصیده، منقبت اشارات فراوانی به روز «مباهله»، آیت ذالقربی، اصحاب یمین، خبر معروف شیعه (لافتی)، روح الامین، تسنیم (جشمه ای در بهشت) و فضایل و جوانمردی های آن امام همام به چشم می خورد که بیانگر اعتقادات شیعی آن شاعر بزرگوار است:

ای نواصب گر ندانی فضل سر ذوالجلال
آیت «قربی» نگه کن و آن اصحاب الیمین (۱۰)
«قل تعالو ندع» بر خوان و نردانی گوش دار
لعنت یزدان بین از «نبتهل» تا «کاذبین» (۱۱)
«لافتی الاعلی» بر خوان و تفسیرش بدان
یا که گفت و یا که داند گفت جز روح الامین (۱۲)
آن نبی و ز انبیا کس نی به علم او را نظیر
وین ولی وز اولیاء کس نی به فضل او را قرین (۱۳)
کسای نه تنها در مرثی و اشعار مذهبی و وعظ و پند و اندرز از گویندگان چیره دست قرن چهارم بوده، بلکه در دیگر انواع ادبی هم می توان او را سرآمد هم عصرانش دانست:

استاد دکتر شفیعی کدکنی می نویسد: «از نظر صور